



Legal and Social effects of Apparent contracts with an Approach to Jurisprudence

Milad Dibaj¹, Abdollah Rajabi^{2*}, Mohammad Sardoui Nasab³, Rahim Pilvar⁴

1. Department of Private Law, Aras International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Department of Private Law, Faculty of Law, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.
3. Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
4. Department of Private Law, Faculty of Law, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 109-122

Article history:

Received:

Edition:

Accepted:

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

Formal Contract, Jurisprudence, Social security.

Corresponding Author:

Abdollah Rajabi

Address:

Iran, Tehran, University of Tehran, Farabi Campus Branch, Faculty of Law, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0003-3942-5973

Tel:

09126120784

Email:

rajabya@ut.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: In jurisprudence, apparent contracts are considered as those contracts that seem to meet the necessary conditions for validity, but in reality there is no real agreement between the parties or the intentions and intentions of the parties on these contracts are different. This study aims to show how jurisprudential and legal rulings regarding apparent contracts affect social behaviors and what legal and social consequences they entail.

Materials and Methods: This research is of a theoretical type and has been carried out using a descriptive-analytical method.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected..

Findings: It is important to recognize the social effects of apparent contracts on society and relationships between prominent individuals, because this type of contract plays an important role in promoting trust, maintaining the security of transactions, and preventing pretense and deception, and at the same time, it can lead to disputes and legal problems.

Conclusion: A sham contract is enforceable only if it preserves the trust and interests of third parties in conflict with the parties' inner intention; but if the parties' outward behavior demonstrates customary consent to the contract and leads to the creation of a legitimate obligation and trust for the third party, the law recognizes and defends the sham contract in order to maintain social order. This approach both protects the rights of third parties and provides a reliable method for detecting true intention and strengthening social trust.

Cite this article as:

Dibaj, M; Rajabi, A; Sardoui Nasab,M; Pilvar,R. *Legal and Social effects of Apparent contracts with an Approach to Jurisprudence*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

تأثیرات حقوقی و اجتماعی عقد ظاهری با رویکردی بر فقه

میلاذ دیباج^۱، عبدالله رجبی^{۲*}، محمد ساردوئی نسب^۳، رحیم پیلووار^۴

۱. گروه حقوق خصوصی، پردیس بین المللی ارس، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۴. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: عقد ظاهری در فقه به عنوان آن دسته از قراردادهایی مورد توجه است که به نظر می‌رسد واجد شرایط لازم برای اعتبار باشند؛ اما در حقیقت میان طرفین توافق واقعی وجود ندارد یا قصد و نیت طرفین بر این عقود متفاوت است. این بررسی می‌خواهد نشان دهد که چگونه احکام فقهی و حقوقی در مورد عقد ظاهری بر رفتارهای اجتماعی تأثیر می‌گذارند و چه پیامدهای حقوقی و اجتماعی در پی دارند.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: اهمیت شناخت تأثیرات اجتماعی عقد ظاهری بر جامعه و روابط افراد برجسته است، چرا که این نوع عقد، نقش مهمی در ترویج اعتماد، حفظ امنیت معاملات و جلوگیری از تظاهر و فریب‌آمیزی دارد و در عین حال، می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلافات و مشکلات حقوقی باشد.

نتیجه: عقد ظاهری تنها در صورت حفظ اعتماد و منافع اشخاص ثالث در تقابل با نیت باطنی طرفین قابل اعمال است؛ اما اگر رفتار ظاهری طرفین رضایت عرفی به قرارداد را نشان دهد و منجر به ایجاد تعهد و اعتماد مشروع برای ثالث شود، قانون برای حفظ نظم جامعه عقد ظاهری را معتبر می‌شناسد و از آن دفاع می‌کند. این رویکرد هم از حقوق اشخاص ثالث حمایت می‌کند و هم روشی قابل اعتماد برای تشخیص نیت واقعی و تقویت اعتماد اجتماعی فراهم می‌آورد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۹-۱۲۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

عقد ظاهری، فقه، امنیت اجتماعی.

نویسنده مسئول:

عبدالله رجبی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه تهران،
واحد پردیس فارابی، گروه
حقوق خصوصی.

تلفن:

09126120784

کد ارکید:

0000-0003-3942-5973

پست الکترونیک:

rajabya@ut.ac.ir

۱. مقدمه

مصلحت و حجیت ظواهر توجیه و با شروط معقول محدود نمود، و در ادامه دو فرضیه فرعی متناسب با سؤالات یادشده مطرح می‌شود که اول آن این است که عقد ظاهری واجد مشخصات مفهومی متمایزی همچون انکاء بر رفتار جمعی و معیارهای عرفی و عدم نیاز به تشریفات خاص است و دوم آن که حسن نیت ثالث و اطلاع یا عدم اطلاع او از تغییرات داخلی قرارداد (همراه با انتشار رسمی اطلاعیه‌ها) نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در اعتبارآفرینی عقد ظاهری دارند؛ تحقیق حاضر با تبیین این سؤال‌ها و فرضیه‌ها در پی آن است که از طریق تحلیل فقهی، بررسی رویه قضایی و مطالعه موردی مصادیق عملی، امکان آزمون و پالایش این ادعاها را فراهم سازد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله چون توصیفی تحلیلی است و در آن از روش پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده نشده، لذا برای جمع‌آوری داده از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

اهمیت شناخت تأثیرات اجتماعی عقد ظاهری بر جامعه و روابط افراد برجسته است، چرا که این نوع عقد، نقش مهمی در ترویج اعتماد، حفظ امنیت معاملات و جلوگیری از تظاهر و فریب‌آمیزی دارد و در عین حال، می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلافات و مشکلات حقوقی باشد.

۵. بحث

به منظور پاسخ به سؤال اصلی تحقیق، مطالب ذیل ارائه می‌گردد.

در راستای بررسی تأثیرات حقوقی و اجتماعی عقد ظاهری با رویکردی فقهی، نخست مرزبندی مفهومی عقود رضایی و تشریفاتی تبیین می‌شود تا جایگاه عقد ظاهری روشن گردد؛ عقد ظاهری نه عقد تشریفاتی است که تحققش نیازمند تشریفات رسمی و الفاظ معین باشد و نه عقد رضایی محض که صرف نیت باطنی طرفین کافی باشد، بلکه در این نوع عقد آنچه مبنای تحقق است رضایت ظاهری و معیارهای عرفی است که گاه بدون صیغه یا لفظ خاص (مانند معاطات یا فروش در مغازه) قرارداد را پدید می‌آورد و در مصادیقی چون وکالت ظاهری و نمایندگی مدیرعامل شرکت نیز ظاهر اعمال و اعلان رسمی می‌تواند نسبت به اشخاص ثالث آثار حقوقی مستقلی ایجاد کند؛ با توجه به این چارچوب، سؤال اصلی پژوهش این است که اعتبار دادن به عقد ظاهری چه تأثیرات حقوقی و اجتماعی قابل توجهی دارد و پذیرش یا نفی این اعتبار از منظر فقه با چه مبانی و محدودیت‌هایی قابل توجیه است، و دو سؤال فرعی که به صورت مکمل این پرسش را تعمیق می‌کنند عبارتند از نخست اینکه عقد ظاهری از منظر مفهومی و کارکردی چگونه از عقود رضایی و تشریفاتی متمایز می‌شود و شاخص‌های تعیین‌کننده آن کدامند و دوم اینکه نقش معیارهایی مانند حسن نیت ثالث و انتشار اعلان رسمی (ثبت یا آگهی) در ایجاد اثر الزام‌آور عقد ظاهری تا چه حد تعیین‌کننده است؛ فرضیه اصلی پژوهش این است که اعتبار قائل شدن برای عقد ظاهری، تأثیر مثبت و قابل توجهی در تأمین نظم حقوقی، حمایت از اعتماد اجتماعی و حفاظت از منافع اشخاص ثالث دارد و می‌توان پذیرش آن را بر مبنای قواعد فقهی چون قاعده

۵-۱. عناصر عقد ظاهری

عناصر عقد ظاهری عبارتند از:

۵-۱-۱. رفتار حاکی از رضایت عرفی طرفین به عقد

اراده ظاهری بر اساس نظریه اجتماعی حقوق، بر حفظ نظم و امنیت اجتماعی و اعتماد مشروع میان افراد تأکید دارد. این نظریه معتقد است که برای جلوگیری از هرج و مرج در روابط اجتماعی، فرد پس از اعلام اراده خود نمی‌تواند به سادگی ادعا کند که قصد واقعی‌اش با آنچه گفته، متفاوت بوده است. این نگرش، اراده را به عنوان یک عنصر بیرونی و قابل مشاهده در نظر می‌گیرد که مبنای تعهدات قرار می‌گیرد.

نظام حقوقی ایران در بحث اراده در قراردادهای رویکردی دوگانه دارد. از یک سو، با الهام از نظریه اراده ظاهری، بر حفظ نظم و امنیت اجتماعی و اعتماد مشروع تأکید می‌کند و اراده را به عنوان یک عنصر بیرونی و قابل مشاهده در نظر می‌گیرد. این دیدگاه در ماده ۴۵۱ قانون مدنی که تصرفات "نوعاً" حاکی از بی‌نظمی را موجب فسخ می‌داند، ماده ۲۲۴ قانون مدنی که الفاظ قرارداد را بر معانی عرفی حمل می‌کند، و مواد ۱۲۹۲ و ۱۳۰۹ قانون مدنی که اعتبار اسناد رسمی را بر اراده باطنی برتری می‌دهند، مشهود است. همچنین، ماده ۲۲۵ قانون تجارت نیز در اسناد تجاری، با اولویت دادن به ظاهر سند، بر سرعت و سهولت معاملات تمرکز دارد.

از سوی دیگر، نظام حقوقی ایران با پیروی از نظریه اراده باطنی، قصد واقعی را جوهر اصلی عقد می‌داند. ماده ۱۹۱ قانون مدنی به صراحت بیان می‌کند که عقد با "قصد انشاء" محقق می‌شود. ماده ۱۹۶ قانون مدنی اجازه می‌دهد که خلاف ظاهر عقد، نیت درونی افراد اثبات شود. همچنین،

مواد ۶۵ و ۲۱۸ قانون مدنی در مواردی مانند وقف و بیع صوری با نیت فرار از دین، به دلیل نیت نامشروع، عقد را باطل می‌دانند. علاوه بر این، ماده ۱۹۵ قانون مدنی معامله افراد مست یا بیهوش را به دلیل فقدان قصد واقعی باطل می‌داند.

در مجموع، قانون‌گذار ایرانی برای ایجاد توازن بین عدالت فردی و نظم اجتماعی، از هر دو نظریه بهره می‌برد. اراده ظاهری تنها زمانی معتبر و سازنده عقد است که با اراده باطنی همراه باشد، مگر در مواردی که قانون به دلیل مصالح عمومی، به ظاهر اعتبار مطلق می‌دهد.

۵-۱-۲. اراده ظاهری

طرفداران نظریه اجتماعی حقوق بر این باورند که وظیفه اصلی قوانین حفظ نظم و امنیت اجتماعی است و برای دستیابی به این هدف، لازم است روابط اقتصادی و اعتماد مشروع و حسن نیت افراد رعایت شود؛ چرا که اگر هر فرد پس از اعلام اراده خود بتواند ادعا کند که آنچه گفته است با قصد و اراده واقعی‌اش تطابق ندارد و از این طریق اعتماد مشروع دیگران را به خطر اندازد، نظم روابط اجتماعی دچار اختلال می‌شود و جای آن را سوء ظن و بی‌اعتمادی می‌گیرد. اگر چه این گفته کمی مبالغه‌آمیز است، اما بخشی از حقیقت را در بر می‌گیرد (مالکی، بیگدلی، ۱۳۹۱، ۱۰۶).

در این راستا، قانون‌گذار در ایران نیز همت کرده است در عین احترام به اصل اراده درونی، نگرانی‌های نظم و اعتماد مشروع افراد را نیز مد نظر قرار دهد، از این رو مواد قانونی متعددی وجود دارد که پذیرش اراده ظاهری را تأیید می‌کند، مانند ماده ۴۵۱ قانون مدنی که تصرفاتی را که نوعاً نشانگر بی‌نظمی در معامله است، فسخ فوری می‌داند و در این ماده واژه «نوعاً»

نشان‌دهنده قاعده‌ای است که قصد ظاهری را به جای جست‌وجوی قصد واقعی قرار می‌دهد؛ و ماده ۲۲۴ قانون مدنی که بر این اصل تأکید دارد که الفاظ قرارداد بر معانی عرفی حمل می‌شوند و فردی که اراده‌اش را اعلام می‌کند، انتظار دارد که معنای آن بر اساس مرجع عرف باشد، بنابراین طرفین بر مبنای فهم عرفی از واژگان توافق می‌کنند و باید بر آن پای‌بند باشند، و در تفسیر عبارات قرارداد، حمل آن بر معانی متداول کفایت می‌کند، بدون نیاز به جست‌وجوی قصد باطنی، و حتی اگر کشف شود که قصدهای باطنی با ظاهر مطابقت ندارد، اعتبار آن‌ها ساقط است؛

علاوه بر این، مطابق ماده ۱۲۹۲ قانون مدنی، در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار آن‌ها در دادگاه اثبات شده است، انکار و تردید پذیرفته نیست و فرد می‌تواند ادعای جعل کردن آن‌ها را کند یا اثبات نماید که سند به دلایلی قانونی اعتبار خود را از دست داده است؛ و در نمونه‌ای مشابه، ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی تصریح می‌کند که در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در دادگاه تثبیت شده، نمی‌توان دعوی مخالف مندرجات آن را با شهادت شهود اثبات کرد. براساس این مواد، هر کسی که به اراده ظاهری و اعلام شده خود در سند یا سند رسمی عادی که اعتبار آن توسط دادگاه تثبیت شده است، پای‌بند و ملتزم باشد، نمی‌تواند ادعا کند که محتوای سند با اراده‌ی واقعی و درونی او تطابق ندارد، و در نتیجه نمی‌تواند از پذیرش تعهدات و التزامات خود شانه خالی کند؛ زیرا قانون‌گذار در این زمینه، چنین ادعایی را نپذیرفته است (همان، ۱۰۷).

علاوه بر این، قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ در مواد ۲۲ و ۴۶، احکام مندرج در مواد

۱۲۹۲ و ۱۳۰۹ قانون مدنی را تأیید کرده و برای رعایت آن‌ها، ضمانت اجرایی در نظر گرفته است. برای نمونه، ماده ۲۲۵ قانون تجارت اعلام می‌دارد که تاریخ و مقدار برات باید با حروف کامل نوشته شوند و چنانچه مبلغ، بیش از یک بار و با حروف متفاوت نوشته شده باشد و بین آن‌ها اختلاف باشد، مبلغ کم‌تر معتبر است؛ همچنین، اگر هر دو، یعنی رقم و حروف، نوشته شده باشد و اختلاف بین آن‌ها باشد، مبلغ با حروف معتبر است. این ماده نشان می‌دهد قانون‌گذار در امور تجاری، بیشتر به سرعت و سهولت در انجام معاملات توجه داشته و قصد باطنی صادرکننده سند را در تعیین اعتبار در نظر نگرفته است؛ همچنین، ویژگی تجریدی بودن اسناد تجاری، بر شکل ظاهری آن‌ها تأکید دارد که در نتیجه، روابط حقوقی ناشی از این اسناد بر ظاهر شکلی و صوری آن‌ها استوار است و شکل مرئی سند، سازنده‌ی حق محسوب می‌گردد (قاسمی، ۱۳۸۸، ۳۷).

در مجموع، می‌توان گفت قانون مدنی ایران در جهت حفظ منافع فردی و اجتماعی، از هر دو نظریه بهره گرفته و به جنبه‌های مثبت هر یک توجه دارد؛ ولی اصل بر این است که اراده‌ی درونی و باطنی سازنده‌ی عمل حقوقی است؛ و در مواردی که بین اراده‌ی ظاهری و اراده‌ی باطنی تعارض باشد، اراده‌ی باطنی برتر است (صادقی کنعانی، ۱۳۹۵، ۴۱).

۳-۱-۵. اراده باطنی

در قوانین کشور ایران، همانند فقه، رویکردی ثابت و یکنواخت نسبت به موضوع قصد در عقد و معامله دیده نمی‌شود و بسیاری از مواد قانونی نشان‌دهنده ترجیح قانع‌کننده به سمت قصد درونی و نیت واقعی طرفین است؛ در حالی که

در رابطه با این ماده و دامنه و کاربرد آن، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی با اثبات نمایندگی یکی از طرفین، بر این باورند که این نمایندگی قابل استناد برای هر سه طرف عقد (مؤکل، وکیل و اصیل) است (صفایی، ۱۳۸۲، ۷۹؛ امامی، ۱۳۵۱، ۲۶۴). و گروه دیگر، قایل به این‌اند که نمایندگی فقط میان وکیل و مؤکل معتبر است و نباید اصیل با فرد غریبه (مؤکل) مواجه شود (کاتوزیان، ۱۳۶۶، ۵۰؛ حائری، ۱۳۷۶، ۱، ۱۵۵). نقطه مشترک هر دو دیدگاه این است که در هر حال، احترام و اعتبار قائل شدن به اراده و نیت درونی طرفین، در مقابل ظاهر و صورت ظاهری رفتار حقوقی، امری ثابت و قابل قبول است؛ در دیدگاه نخست، این نیت مطلق است، حال آن که در دیدگاه دوم، محدود و مقید به شرایط خاص است.

بنابراین، در مواردی که معامله صوری بوده و تنها با نیت فرار از دین انجام شده باشد، هرچند قالب و ظاهر معامله عادی و صحیح باشد، قانون نسبت به آن حکم بطلان صادر می‌کند.

در نتیجه، آشکار می‌شود که الفاظ، اشارات و سایر اعمال، وسایل اعلام نیت و اراده هستند و تنها زمانی عقد تحقق می‌یابد که اراده درونی و واقعی طرفین با قصد ظاهری‌شان مطابقت داشته باشد. طبق ماده ۴۶۴ قانون مدنی، «معاوضه عقدی است که در آن یکی از طرفین، مالی را می‌دهد و در مقابل، مال دیگری را به‌دست می‌آورد، بدون آن که لازم باشد عوضین، مبیع و ثمن باشند». بنابراین، برای تمیز دادن بین بیع و معاوضه، باید به نیت و قصد طرفین توجه کرد. همین قاعده در ماده ۷۵۸ قانون مدنی در مورد عقد صلح نیز آمده است و طرفین می‌توانند رابطه حقوقی خود را بر

برخی دیگر، توجه خاصی به قالب و شکل قراردادی دارند، که در ادامه اشاره‌ای به برخی از این مواد ضروری است (بیگدلی و مالکی، ۱۳۹۱، ۱۰۳).

از جمله، مطابق ماده ۱۹۱ قانون مدنی، «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء، به شرط آنکه همراه با چیزی باشد که دلالت بر قصد داشته باشد». بر اساس این ماده، قصد درونی سازنده‌ی عقد محسوب می‌شود، زیرا تحقق عقد، تابع قصد انشایی است؛ ولی برای این که این قصد در عالم خارج اثر گذارد، باید با کاشف خارجی همراه باشد، هرچند این کاشف صرفاً جنبه‌ی روش شناسانه دارد و در سازندگی عملیات حقوقی نقش ندارد. در ادامه، مفاد ماده ۱۹۶ قانون مدنی نیز گواه بر اهمیت قائل شدن به نیت درونی در مقابل اظهار صریح است، زیرا بیان می‌دارد: «کسی که معامله می‌کند، آن معامله برای خودش لحاظ می‌شود، مگر این که در زمان عقد خلاف آن را تصریح کرده یا در آینده خلاف آن ثابت شود». این حکم نشان می‌دهد، بر ظاهر، عقد برای طرفین منعقد می‌شود و آن‌ها مسئولیت حقوقی و تعهداتی را بر عهده می‌گیرند که بر اساس آن برقرار شده است؛ اما قسمت دوم این ماده به طرفین اجازه می‌دهد پس از انعقاد، خلاف ظاهر، یعنی نیت درونی خود را ثابت کنند. بنابراین، یکی از طرفین می‌تواند اظهار کند که عقد در اصل، به‌طور مستقیم و شخصی منعقد نشده، بلکه از نمایندگی ایشان در قرارداد استفاده شده است و قصد درونی آن‌ها این بوده است که به جای شخص خود، نماینده طرف مقابل باشند، و در نتیجه، عقد هیچ تعهدی برای آنان بوجود نیاورده است.

اساس قصد و نیت درونی خود، در قالب صلح تنظیم نمایند.

بر اساس ماده ۱۱۴۹ قانون مدنی، «رجوع در طلاق حاصل می‌شود از هر لفظ یا عملی که دلالت بر رجوع کند، مشروط بر اینکه به نیت رجوع باشد». از این عبارت نیز روشن است که اراده ظاهری و اعلام شده تنها وقتی معتبر است که با اراده و نیت واقعی و درونی فرد همراه باشد؛ و در واقع، اثر حقوقی تنها در صورت همراهی با قصد صورت می‌گیرد. منظور از همراه بودن با قصد این است که ظاهر و نیت درونی فرد، منعکس‌کننده همان نیت و اراده‌های واقعی او باشد.

۵-۲. علت موضوعیت یافتن عقد ظاهری

مسئله عقد ظاهری به تفاوت میان ظاهر و نیت واقعی قرارداد اشاره دارد که حقوقدانان به دلیل نیاز به ایجاد نظم و حفظ منافع اجتماعی به آن توجه کرده‌اند. در واقع، عقد ظاهری به قراردادهایی گفته می‌شود که به نظر می‌رسد شرایط لازم را برای اعتبار دارند، اما در حقیقت توافق واقعی یا نیت طرفین بر آن‌ها متفاوت است. اگر تنها نیت طرفین ملاک قرار گیرد، ممکن است اشخاص ثالث بر اساس ظاهر یک قرارداد عمل کنند، در حالی که طرفین قصد دیگری داشته‌اند. در چنین حالتی، اعتماد مشروع و امنیت معاملات به خطر می‌افتد و نظم اجتماعی دچار اختلال می‌شود. به همین دلیل، حقوقدانان و فقها تأکید دارند که اراده ظاهری و اظهار نیت درونی برای ایجاد اثر حقوقی ضروری است (رالز، ۱۳۷۶، ۸۰)؛ از طرف دیگر، توجه به عقد ظاهری موافق نظم و مصالح اجتماعی است. موضوع مشروعیت عقد ظاهری به طور مستقیم مرتبط است با دیدگاه فقهاء درباره اراده ظاهری و باطنی.

این دو نوع اراده، تأثیر بنیادی بر تفسیر و اجرای قراردادهای در نظام‌های حقوقی دارند؛ زیرا، اراده ظاهر، نشانگر آن چیزی است که طرفین به صورت آشکار و قابل مشاهده بیان می‌کنند، در حالی که اراده باطنی، نیت واقعی و پنهان آنان است که ممکن است با ظاهر تفاوت داشته باشد. فقها در تحلیل مشروعیت عقود تأکید دارند که شناخت نیت درونی و واقعی، می‌تواند به حفظ عدالت و انصاف در روابط تجاری کمک کند و از وقوع ناعادلانه‌گری و فریب در معاملات جلوگیری نماید. نظریه‌های مختلف درباره منشأ و اعتبار اعمال حقوقی در دو قطب اراده ظاهری و اراده باطنی قرار دارند و هر یک، مباحث فقهی و حقوقی گسترده‌ای را به دنبال داشته‌اند. طرفداران نظریه اجتماعی حقوق بر این باورند که هدف اساسی قانون حفظ نظم اجتماعی است و برای تحقق نظم در معاملات، ضرورت دارد که به مظاهر ظاهری اراده و اعتماد مشروع دیگران احترام گذاشته شود؛ زیرا اگر هر کس پس از اعلام اراده بتواند ادعا کند مقصود درونی‌اش چیز دیگری بوده و از این طریق اعتماد مشروع را برباید، نظم روابط اجتماعی و اعتماد عمومی از بین می‌رود (بیگدلی، مالکی، ۱۳۹۱، ۲۰). از این رو، قانون‌گذار ایران در صدد بوده هم اصل حاکمیت اراده باطنی را محترم بشمرد و هم از اعتبار اراده ظاهری برای ثبات معاملات غافل نماند؛ بنابراین، برخی مواد و قواعد به پذیرش اراده ظاهری اشاره دارند. از منظر فقهی و کلامی نیز دو گرایش آشکار است. علامه حلی معتقد است منشأ اثر حقوقی الفاظ و اعمال افراد است و اعمال حقوقی موجودیتی اجتماعی دارند که از توافق اراده‌های ظاهری ناشی می‌شود؛ لذا گفتار و رفتار ظاهری افراد در داوری‌های حقوقی معیار است (علامه

می‌دهند: عقود ظاهری که به منظور فرار از تحریم ربا انجام شده‌اند، در برخی روایات با توجه به ظاهر معتبر شمرده شده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۱۲، ۴۶۶). در موضوع وصیت مجهول و تعبیر «جزء» نیز بر اساس تفسیر قرآنی شاهد مثال‌هایی ارائه شده است (حر عاملی، همان، ۴۴۳-۴۴۴). در مورد مهر العلانیه و مهر السر نیز اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی مانند صاحب جواهر مهر السر را معتبر دانسته و زوج را به آن مکلف می‌دانند، زیرا الفاظ خود را ابزار بیان اراده می‌دانند و هر عبارتی که دلالت عقلاً بر انعقاد نداشته باشد الزام‌آور نیست (حلی، محقق، ۱۳۶۷، ۲، ۲۱۱). در حقوق مدنی ایران، تمایل به اراده درونی قابل مشاهده است؛ ماده ۱۹۱ قانون مدنی قصد انشایی را مبنای عقد می‌داند و ماده ۱۹۶ نیز بر این جهت‌گیری صحنه می‌گذارد: اگر معلوم شود معامله برای نفر دیگری بوده است، آن معامله برای آن طرف محسوب می‌شود (مریدی فر و همکاران، ۱۳۹۷، ۸). این نشان می‌دهد که حقوق ایران درصدد است میان احترام به نیت واقعی افراد و نیاز به ثبات معاملات تعادل برقرار کند. با این حال، دوگانگی نظری پیامدهای عملی مهمی دارد. از یک سو، تکیه مطلق بر اراده باطنی می‌تواند نظم معاملات را بر هم زند و فرصت سوءاستفاده فراهم آورد؛ از سوی دیگر، اعتماد صرف به ظواهر و اماره‌ها ممکن است عدالت و حقوق اشخاص را که نیت واقعی‌شان متفاوت بود، نقض کند. بسیاری از متفکران معتقدند راه میانه‌ای باید اتخاذ شود: اراده ظاهری اماره قوی‌ای است اما در صورتی که قرائن قابل اعتنای خلاف ظاهر وجود داشته باشد، باید به نیت واقعی توجه شود (کاتوزیان، همان، ۲۳۰-۲۳۱). نتیجه آن که تعیین سازنده عمل حقوقی نه به صورت صرف به اراده

حلی، ۱۳۸۱، ۷، ۲۲۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۷). سایر فقیهان نیز تأکید دارند که نیت صرف بدون مظاهر خارجی معمولاً منشأ اثر حقوقی نیست و ایجاب و قبول باید به گونه‌ای اعلام شود که برای عرف قابل فهم باشد؛ در صورتی که سخن ممکن نباشد، اشاره کافی است (نائینی، ۱۴۱۲ق، ۱، ۴۰۴). در مقابل، جریان حاکمیت اراده باطنی بر این انگاره تکیه دارد که عنصر اصلی در شکل‌گیری عمل حقوقی نیت درونی است و الفاظ و رفتارها صرفاً کاشف آن‌اند؛ لذا اگر ثابت شود کاشف اشتباه بوده، معیار صحت عقد اراده درونی خواهد بود. این دیدگاه از آیات و احادیث مانند «انما الاعمال بالنیات» و آیاتی که بر اهمیت نیت تأکید دارند، استدلال می‌کند (کلینی، حر عاملی؛ اسراء، ۸؛ بقره، ۳۲۵). قاعده «العقود تابعه للقصد» در فقه امامیه جایگاه برجسته‌ای دارد و بیان می‌کند که تحقق عقد و آثار آن تابع قصد واقعی طرفین است؛ به عبارت دیگر، وجود قصد شرط صحت عقد است و عقودی که بدون قصد جدی واقع شوند، اثر حقوقی ندارند (کاتوزیان، پیشین؛ میرفتاح، ۱۲۷۴ ه.ق). بر پایه همین قاعده، اگر الفاظی به کار رود اما قصد انشاء بر آن مترتب نباشد، عقد محقق نخواهد شد (انصاری، پیشین، ۸). هم‌زمان، فقیهان به مواردی اشاره کرده‌اند که اراده ظاهری اماره‌ای معتبر است و خلاف آن قابل اثبات نیست؛ یعنی قلمرو قصد انشاء تابع مدلول کاشف دانسته شده و عرف و سیره عقلا در معاملات معمولاً اراده ظاهری را به‌عنوان مبنای اعمال حقوقی می‌پذیرند (جعفری لنگرودی، ۱۳۳۹، ۷۸؛ قنواتی و دیگران، ۱۳۷۷، ۱، ۲۵۲). این نگرش به ویژه در معاملات تجاری و روابط اقتصادی که ثبات و قابلیت اتکا مهم است، قوت بیشتری دارد. متون فقهی نمونه‌هایی از پذیرش ظواهر را نشان

دیگران را به خطر می‌اندازد. در نتیجه، این امر منجر به هرج و مرج و بی‌اعتمادی در روابط اجتماعی و اقتصادی می‌شود. از این رو، برای جلوگیری از چنین اختلالی، لازم است که گفتار و رفتار ظاهری طرفین به عنوان معیار اصلی تحقق معاملات در نظر گرفته شود. این رویکرد به ویژه در عرف تجار و معاملات سریع، کاربرد زیادی دارد، چرا که آن‌ها اراده ظاهری را مبنای اصلی اعمال حقوقی می‌دانند.

۵-۳-۲. اراده باطنی در مقابل رفتارگرایی

ذهن‌گرایی یا فرآیندگرایی بر اراده باطنی و نیت واقعی افراد تأکید دارد. بطوریکه افرادی چون توماس، منشأ معرفت بشری را در دو منبع حس و عقل می‌داند (Maurer, 2011, 184). این دیدگاه، که ریشه در فقه اسلامی دارد، معتقد است که الفاظ و اعمال تنها کاشف از نیت درونی هستند و اگر میان اراده درونی و ظاهر تفاوت باشد، اراده درونی برتر است. این مکتب به عدالت و انصاف توجه ویژه‌ای دارد. از نظر این مکتب، اگر آنچه از فرد صادر شده است، بر اراده باطنی او تکیه نداشته باشد، این ظاهر بی‌مغز و بدون اثر حقوقی است. آیاتی از قرآن کریم مانند آیه ۸۴ سوره اسراء: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ؛ بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد» و آیه ۲۲۵ سوره بقره: «لَا يُوَٰخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ و لکن يُوَٰخِذُكُم بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبِكُمْ؛ خدا شما را به خاطر سوگندهای لغوتان [که جدی و حقیقی نیست و عادتاً بدون قصد قلبی بر زبان جاری می‌شود] مؤاخذه نمی‌کند، ولی شما را به خاطر آنچه دل‌هایتان [از سوگند جدی و حقیقی] مرتکب شده مؤاخذه می‌کند» نیز بر اهمیت نیت درونی در اعمال انسان‌ها تأکید می‌کنند.

ظاهری و نه محضاً به اراده باطنی محدود می‌شود؛ بلکه حقوق‌گذاری و فقه باید معیارها و ابزارهای تشخیصی توازن میان این دو را فراهم سازند تا هم نظم معاملات حفظ شود و هم حقوق واقعی طرفین رعایت گردد. توجه همزمان به اراده ظاهری و باطنی، همراه با قواعدی برای شناسایی سوءنیت، اجباری بودن اعلام، یا وجود قرائن خلاف، می‌تواند ضامن مشروعیت قراردادها و تقویت اعتماد در فضای کسب‌وکار باشد (بیگدلی، مالکی، ۱۳۹۱؛ کاتوزیان؛ مریدی فر و همکاران، ۱۳۹۷).

۵-۳-۳. مبانی عقد ظاهری از نظر فلسفی

بررسی فلسفی عقد ظاهری نیازمند توجه به مکتب رفتارگرایی است که در مقابل ذهن‌گرایی قرار می‌گیرد و می‌تواند مبانی این نوع عقد را تکمیل کند. در ادامه مهمترین مبانی عقد ظاهری از نظر فلسفی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۵-۳-۱. رفتارگرایی به عنوان مبنای

فلسفی عقد ظاهری

رفتارگرایی بر این اصل استوار است که تنها اعمال و رفتارهای بیرونی و قابل مشاهده افراد را باید مبنای قضاوت و تحلیل قرار داد. این دیدگاه با نظریه اراده ظاهری در حقوق کاملاً همسو است، زیرا هر دو بر این باورند که آنچه در عمق نهادهای درونی طرفین می‌گذرد، در نظام حقوقی اثری ندارد. در واقع، قانون‌گذار نمی‌تواند به نیت‌های درونی و پنهان افراد دسترسی پیدا کند و تنها می‌تواند به مظاهر خارجی اراده آنان توجه کند. این دیدگاه با حفظ نظم و امنیت اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. اگر اعتبار قراردادها تنها به نیت درونی افراد وابسته باشد، هر فرد می‌تواند پس از اعلام اراده خود ادعا کند که قصد واقعی‌اش متفاوت بوده و این امر اعتماد مشروع

از سوی دیگر، قوانین دیگری نیز به منظور حفظ نظم و امنیت اجتماعی و منافع اشخاص ثالث، به اراده ظاهری اهمیت می‌دهند. ماده ۲۲۴ قانون مدنی بر این اصل تأکید دارد که الفاظ قرارداد بر معانی عرفی حمل می‌شوند، و در تفسیر آن‌ها، حمل بر معانی متداول کفایت می‌کند. همچنین، مواد ۱۲۹۲ و ۱۳۰۹ قانون مدنی اعتبار اسناد رسمی را برتر از ادعای نیت باطنی می‌دانند و انکار آن‌ها را نمی‌پذیرند. در حوزه تجارت، ماده ۲۲۵ قانون تجارت و ویژگی تجریدی بودن اسناد تجاری نشان می‌دهد که برای حفظ سرعت معاملات، شکل ظاهری سند بر قصد باطنی صادرکننده ارجحیت دارد. یکی از مهم‌ترین مثال‌ها در این زمینه، وکالت ظاهری است که در قانون آیین دادرسی مدنی (مواد ۳۴ و بعد) مورد تأیید قرار گرفته است. اگر موکلی، وکیل خود را عزل کند اما این عزل را به اشخاص ثالث اطلاع ندهد، قراردادهای منعقد شده توسط وکیل سابق با اشخاص ثالثی که از عزل بی‌خبر بوده‌اند، معتبر و برای موکل لازم‌الاجراست. این اصل، برای حمایت از اشخاص ثالث و جلوگیری از بی‌نظمی در معاملات وضع شده است. به همین ترتیب، ماده ۱۱۸ قانون تجارت که به ضرورت انتشار مصوبات شرکت اشاره دارد، به منافع اشخاص ثالث اهمیت داده و قواعد مربوط به نمایندگی مدیرعامل، حامی عقد ظاهری است.

در نتیجه، می‌توان گفت که عقد ظاهری تنها در شرایطی قابلیت اعمال دارد که حفظ اعتماد و منافع اشخاص ثالث در تقابل با نیت باطنی طرفین اصلی قرارداد قرار گیرد. به عبارت دیگر، اصل بر این است که اراده باطنی سازنده اصلی عمل حقوقی است، اما زمانی که رفتار و اعمال ظاهری طرفین، رضایت عرفی به یک قرارداد را

با این حال، در نظام حقوقی و فقهی، هر دو دیدگاه با یکدیگر ترکیب شده‌اند. اراده ظاهری همان اراده باطنی است که در قالبی قانونی و معتبر ظاهر می‌شود و لزوم ابراز آن برای اطلاع طرف مقابل و امکان اثبات آن است. بنابراین، نیت درونی و اراده ظاهری باید با یکدیگر هماهنگ باشند تا عقد معتبر و مشروع تلقی شود. این رویکرد ترکیبی، در واقع تلاشی برای ایجاد توازن میان حفظ نظم اجتماعی و رعایت عدالت فردی است.

۴-۵. قوانین حامی و مخالف عقد ظاهری

در حقوق ایران، شاهد رویکردی دوگانه نسبت به مفهوم عقد ظاهری هستیم که تلاشی برای ایجاد توازن میان اراده باطنی (عدالت فردی) و اراده ظاهری (نظم اجتماعی) است. از یک سو، قوانین متعددی بر نیت واقعی افراد تأکید دارند و هرگونه عقدی را که فاقد قصد درونی باشد، باطل می‌دانند. برای مثال، ماده ۱۹۱ قانون مدنی تصریح می‌کند که عقد با «قصد انشاء» محقق می‌شود، و ماده ۱۹۵ قانون مدنی نیز معامله افرادی را که به دلیل مستی یا بیهوشی فاقد قصد واقعی هستند، باطل اعلام می‌کند. این رویکرد، در مواد ۶۵ و ۲۱۸ قانون مدنی نیز دیده می‌شود که در موارد وقف و بیع صوری با نیت فرار از دین، حکم به بطلان می‌دهند؛ چرا که نیت پنهان می‌تواند ظاهر صحیح معامله را بی‌اثر کند. همچنین، ماده ۱۹۶ قانون مدنی به طرفین اجازه می‌دهد خلاف ظاهر عقد، نیت درونی خود را اثبات کنند که این امر به ویژه در بحث نمایندگی، کاربرد فراوانی دارد. برای نمونه، اگر شخصی به ظاهر برای خود معامله‌ای انجام دهد، اما قصد واقعی او نمایندگی از شخص دیگری باشد، می‌تواند نیت خود را اثبات کند.

نشان دهد و این امر باعث ایجاد تعهد و اعتماد مشروع برای شخص ثالث شود، قانون برای حفظ نظم جامعه، عقد ظاهری را معتبر دانسته و بر آن استناد می‌کند. این رویکرد، نه تنها از حقوق اشخاص ثالث حمایت می‌کند، بلکه معیاری قابل اعتماد برای تشخیص نیت واقعی و تقویت اعتماد اجتماعی فراهم می‌آورد.

۶. نتیجه

مشروعیت و اعتبار عقد ظاهری از دیدگاه فقهی و حقوقی مبتنی بر این فرض است که اراده ظاهری و اظهار رفتاری طرفین شاخص‌های اصلی تشخیص قصد الزام‌آور هستند، اما این امر به معنای بی‌توجهی مطلق به نیت باطنی نیست؛ به بیان روشن‌تر، اعتبار دادن به عقد ظاهری آثار مثبت و منفی متعددی دارد که از یک سو نظم، ثبات و قابلیت اتکا در معاملات و روابط اجتماعی و اقتصادی را تقویت می‌کند و از سوی دیگر در صورت نبود سازوکارهای محدودکننده می‌تواند زمینه تضییع حقوق و بی‌عدالتی را فراهم آورد. بنابراین پاسخ پژوهش به سؤال اصلی این است که اعتبار عقد ظاهری از منظر فقه و حقوق باعث تحقق منافع اجتماعی مهمی چون تسهیل معاملات روزمره، حفظ اعتماد اشخاص ثالث و تثبیت وضع حقوقی متعاملین می‌گردد ولی پذیرش این اعتبار نیازمند مبانی و محدودیت‌های فقهی و حقوقی روشن است؛ به‌ویژه می‌توان پذیرش محدود عقد ظاهری را بر اصول فقهی مانند قاعده مصلحت در حفظ مصالح عمومی، حجیت ظواهر و ضرورت جلوگیری از آشفتگی در معاملات توجیه کرد، مشروط بر آنکه قواعدی برای مقابله با سوءاستفاده از ظاهر، مانند امکان اثبات نیت نامشروع یا فقدان قصد، لحاظ شوند و معیارهای تشخیص حسن‌نیت ثالث و آثار انتشار

رسمی نیز در ساختار حقوقی تعریف و تسهیل گردد. در پاسخ به سؤال فرعی اول باید گفت که عقد ظاهری از منظر مفهومی و کارکردی با عقود رضایی و تشریفاتی متمایز است؛ در عقد رضایی مبنای اعتبار اراده باطنی و توافق درونی طرفین است و در عقد تشریفاتی تحقق عقد منوط به تشریفات و الفاظ معین است، اما در عقد ظاهری مبنا عبارت است از ظاهر رفتاری و الفاظ عرفی که مطابق ماده ۲۲۴ قانون مدنی معمولاً به معانی عرفی حمل می‌شوند؛ از این‌رو شاخص‌های تعیین‌کننده عقد ظاهری عبارت‌اند از اتکا بر رفتار ظاهری قابل رؤیت، امکان اعتماد متعارف اشخاص ثالث به آن ظاهر، و عدم نیاز به صیغه‌ها یا تشریفات خاص در صورتی که عرف و قواعد محل چنین اثری را ایجاب کند. در پاسخ به سؤال فرعی دوم باید تأکید کرد که معیارهایی مانند حسن‌نیت ثالث و انتشار اعلان رسمی نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد اثر الزام‌آور عقد ظاهری دارند؛ هنگامی که ثالثی به‌صورت معقول و با حسن‌نیت بر ظاهر تکیه کرده و تغییرات داخلی به او اعلام نشده است، نظم حقوقی و حمایت از منافع او ایجاب می‌کند که ظاهر معتبر شمرده شود، ولی چنانچه ثالث سوءنیت داشته یا اعلان رسمی ضروری صورت گرفته و نادیده گرفته شده باشد، اعتبار ظاهر قابل خدشه است؛ قوانین موضوعه و رویه‌ها از جمله احکام مرتبط با وکالت ظاهری و ماده ۱۱۸ قانون تجارت بر ضرورت نشر مصوبات و اطلاع‌رسانی رسمی در مواردی که اشخاص ثالث متکی به اعلان عمومی‌اند، صحه می‌گذارند.

فرضیه اصلی پژوهش این است که اعتبار دادن به عقد ظاهری تأثیر مثبت و چشمگیری در تأمین نظم حقوقی، تقویت اعتماد اجتماعی و حفاظت از

۷. سهم نویسندگان

تهیه و تدوین پژوهش حاضر بوسیله نویسندگان انجام گرفته است.

۸. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

منافع اشخاص ثالث دارد و می‌توان پذیرش مشروط آن را بر پایه قواعد فقهی مانند مصلحت و حجیت ظواهر توجیه نمود؛ این پذیرش باید با سازوکارهای محدودکننده همراه باشد تا از تحقق معاملات صوری، فریب یا اعمال علیه نظم عمومی جلوگیری شود.

دو فرضیه فرعی پژوهش، متناسب با سؤالات فرعی، چنین مطرح و قابل اثبات یا ابطال‌اند: فرضیه فرعی اول این است که عقد ظاهری دارای مشخصات مفهومی متمایزی همچون اتکاء بر رفتار و الفاظ عرفی، تکیه عملی بر ظاهر و عدم نیاز آشکار به تشریفات خاص است؛ فرضیه فرعی دوم این است که حسن‌نیت ثالث و اطلاع یا عدم اطلاع او از تغییرات داخلی قرارداد نقش بنیادی و تعیین‌کننده‌ای در اعتبارآفرینی عقد ظاهری دارند.

بر پایه این پاسخ‌ها می‌توان چارچوب عملی و فقهی پیشنهادی را چنین خلاصه کرد: عقد ظاهری به‌عنوان قاعده عمومی اعتبار یافته و برای تأمین منافع اجتماعی لازم‌الاجرا شناخته شود، اما قواعد استثنایی مشخصی نیز قایل شود که شامل امکان اثبات فقدان قصد یا قصد نامشروع، الزام به انتشار یا اعلان رسمی در مواردی که اعتماد عمومی مطرح است، احراز حسن‌نیت ثالث به‌عنوان شرطی تعیین‌کننده برای حمایت از آثار قرارداد و بار اثبات متفاوت برای مدعیان باطنی بودن عقد است؛ چنین رویکردی می‌تواند میان ضرورت نظم و مصالح اجتماعی از یک سو و عنایت به عدالت و انصاف فقهی از سوی دیگر توازن برقرار کند و مشروعیت عقد ظاهری را در چارچوب فقهی و حقوقی معقول و قابل دفاع نماید.

منابع

▪ قرآن کریم.

منابع فارسی

- امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم، ۱۳۶۶.
- انصاری مرتضی، مکاسب، قم: دارالکتب، چاپ نخست، ۱۴۱۰.
- بیگدلی، سعید؛ مالکی، اعظم، جایگاه اراده ظاهری و باطنی در فقه و حقوق موضوعه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۰، ۱۳۹۱، صفحات ۸۷-۱۱۷.
- جعفری لنگرودی محمدجعفر، تاثیر اراده در حقوق مدنی، تهران: بی نا، ۱۳۳۹.
- حائری شاه باغ علی، شرح قانون مدنی، تهران: گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۳.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- حلی (محقق)، نجم‌الدین ابوالقاسم، شرایع الاسلام فی مسائل الحرام والحرام، تهران: علمی، چاپ نخست، ۱۳۶۷.
- رالز، جان، عدالت و انصاف و تصمیم‌گیری عقلانی، ترجمه مصطفی ملکیان، نشریه نقد و نظر، شماره ۱۰ و ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۷۶.
- صادقی کنعانی، رقیه، بررسی عقود ظاهری (وانمود شده) و پنهانی در حقوق ایران، دانشگاه تبریز، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، ۱۳۹۵.
- صفایی حسین، قواعد عمومی قراردادها، تهران: میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
- قاسمی، محسن، شکل‌گرایی در حقوق مدنی، چاپ نخست، تهران: میزان، ۱۳۸۸.
- قنواتی جلیل؛ وحدتی بشیری حسن؛ عبدی پور ابراهیم و محقق داماد مصطفی، حقوق قراردادها در فقه امامیه، تهران: سمت، ۱۳۷۷.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت: الاعلیف، چاپ هشتم، ۴۲۶ق.
- مالکی، اعظم؛ بیگدلی، سعید، نظریه حاکمیت اراده ظاهری و باطنی در فقه و حقوق موضوعه، سال ۷۸، شماره ۸۰، ۱۳۹۱.
- مریدی فر، حسین و همکاران، ترجیح اراده درونی بر اراده ظاهری در تفسیر قراردادهای تجاری مبتنی بر توجیه اخلاقی، پژوهش‌های اخلاقی، سال هشتم، شماره ۴، ۱۳۹۷، صفحات ۲۰۲-۱۸۳.
- میرفتاح، عبدالفتاح، عناوین الاصول، قوانین الفصول، چاپ سنگی، ۱۲۷۴.
- نائینی محمدحسین، منیه الطالب، قم: النشر الاسلامی، قم: چاپ نخست، ۱۴۱۲ق.

- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

منابع لاتین

- Maurer, Augustine Armand (2011). Medieval Philosophy, A History of Philosophy, USA: Literary Licensing, LLC.

